

گزارشی از گوتنبرگ (سوئد)

**به یاد یاران در رنگارنگی بیمانند، در بی بنیادی سال های سیاه
حاکمیت خون، جنون و جنایت، خیزش انقلابی زن-زندگی-آزادی!**

امیرجوهری لنگرودی

andishe.gbg@hotmail.com



همه چیز در رنگارنگی بیمانندی از پیش توسط فعالان « کانون همبستگی با مبارزات انقلابی مردم ایران - گوتنبرگ» در جمعه شب ششم (۶) اکتبر آماده شده بود .

رفقای با دقت و وقت شناسی مسئولانه، چیدمان سالن اجتماعات را به عهده داشتند، جا دادن باندرول ها و عکس های جانفشانان راه آزادی در سالن، یادمان یاد یاران را از گذشته های دور تا جنایات امروز حاکمیت اسلامی با یکدیگر همراه می کرد. امور فنی سالن را رفقای همراه کانون برای وصل ارتباط آنلاین با سخنرانان ، پیوند رابطه ما با دوستان سخنران را با سالن ممکن ساخت. یادمان یاد یاران امسال در همگامی با خانواده رفیق سالیان مان «عالم جوادی» که به تازه گی او را در شهر گوتنبرگ از دست داده ایم، گره خورد و جا دادن عکس رفیق عالم روی میز نشانی از یادمان بود.



نیکی میرزایی رفیق شاعر، فعال فرهنگی و اجتماعی و همراه همیشه گی ما، به حاضرین خوشامد گفتند و سخنان خویش را به شرح زیر با حاضرین تقسیم داشتند.

به نام آزادی به نام مشعل داران شریف آگاهی

به نام و یاد قهرمانان و جان فشانان راه آزادی دهه ۶۰ و قتل عام شدگان سال ۶۷

به نام مهسا به نام آرمیتا به نام عشقی بی همتا در مقابل شقاوتی بی نظیر.

اینک که منادیان نیستی در سرزمین ما بودن را باور ندارند و عشق و انسانیت و آزادی را قربانی قدرت می کنند. اینک که فصل های ما بوی بغض و اشک و انتقام می دهد. اینک که سالیان درازی ست گیسوان دخترکان و کاکل پسران مان را به خون آغشته اند، اینک که کابوس عزا بر هلهله ی زیستن سایه افکنده، اینک که آخرین عکس آرمیتا یاد آور چهره ژینا بر تخت بیمارستان است، پیامی عریان تر از هر وقتی به ما است که ژینا، نیکا، حدیث یا آرمیتا و صدها نام دیگر آخرین کشته های این نظام زن ستیز و انسان ستیز نیستند و نخواهند بود. پس باید با خشم طغیانی ملتی به ستوه آمده، داغ درون را در مشت های محکم گره بزنییم و به کنشی جمعی برای تغییر این خشونت و سرکوب بدل کنیم و فریاد دادخواهی و آزادی خواهی مان را با فریاد ملتی به جان آمده در آمیزیم و به گوش جهانیان برسانیم و نگذاریم خون مهسا، مینو، نیکا، حدیث و آرمیتا و هزاران شکوفه بر خاک افتاده پایمال شود و بیش از این داغ بر داغ بیفزایند تا جوانانی که مشعل آرزوی بهترینها و خدمت به خلق را با شعار چون زیستن نه چند زیستن در کوچه و خیابان و میدان های شهر به قیمت جان جوان شان برافروخته اند، لبخند پیروزی بر لبان جوان و نجیب شان بنشیند. حضور پرشکوه مردم خشمگین در سالی که گذشت در خیابان های سقر، دیواندره، سنندج و زاهدان تا رشت، اصفهان، تهران و تبریز و دیگر شهرها نشان می دهد، خواست زندگی، آزادی و عدالت در زیر پوست جامعه می طپد.

فریادهایی که این روزها در خیابان های ایران و جهان می شنویم تجلی آن است که شعار «زن-زندگی-آزادی» به هر زبان و از هر دهانی لرزه بر اندام حاکمان جهل و جنایت و هراس می اندازد! هنگامی که پنداشتی گوشت زندگی او را از استخوان های پیکرش جدا کرده ای چگونه او طبل سرخ زندگی اش را به نوا در آورد و حماسه طوفانی شعرش را آغاز کرد:

با سه دهان / صد دهان، هزار دهان / با سیصد هزار دهان / با قافیه ی خون / با کلمه ی انسان / کلمه ی حرکت / کلمه شتاب / با مارش فردا که راه می رود / می افتد بر می خیزد / بر می خیزد / بر می خیزد / بر می خیزد / بر می خیزد!

درود به شما حضار گرامی، و همه آنانی که در جای جای ایران و جهان با حضور خالصانه خود پرچم بیداری، پرچم یاد و خاطره بی شمار جان فشانان راه آزادی را بر افراشته نگه می دارند. با سپاس از همه رفقای عزیزی که در تدارک این برنامه همراه ما شدند و همچنین رفقای سخنران که دعوت ما را پذیرفتند و رفیق هنرمند همیشه همراه ما فریبرز کریمی

با بار هزاران هزار رنج بر دوش

خمیده نشد هرگز قامت سترگ شان

ایستاده و استوار ایستادگی را فریاد زدند

به یاد آنانی که در کشتار دهه ی خونین ۶۰، تابستان ۶۷، در سی و پنج سال پیش تا کنون برای رهایی از ستم سرمایه جنگیدند و تا پای جان ایستادند. از همه حاضرین در نشست دعوت نمودند به پا خیزند و به یاد همه آن جان های عاشق زندگی و جانفشانان راه آزادی و خیزش انقلابی زن-زندگی - آزادی یک دقیقه کف بزنییم!



برنامه را با یاد رفیق عالم جوادی عزیز آغاز می کنیم . از رفیق مان محسن سبحانی عزیز شریک و همراه همیشه گی رفیق عالم برای ما از عالم جوادی عزیز سخن می گوید:
 محسن عزیز یادداشت های کوتاه خود عالم را که بیان تمنیات او بود برای جمع بازگو کرد. بیشک اگر عالم در میان مان می ماند، یکی از دست اندرکاران این شب می بود، چرا که او در تمامی این سال ها بعنوان زندانی سیاسی دهه شصت در کنارمان جای داشت و ما امشب یاد او را در محیطی رفیقانه گرمی داشتیم . محسن عزیز نیز در صمیمی خویشندارانمان یاد همراه زندگی اش را در میان جمع گرمی داشت .



پس آنگاه جمعیت سالن با موسیقی نوازنده و خواننده همیشه گی برنامه هامان فریبرز کرمی همراه شد . او می نواخت و می خواند و سالن را در همخوانی با ترانه و سرودهای سالیان مان ، جمع حاضر را با خود همراه کرد. ترانه های فارسی ولری و کردی در همراهی جمعی با هم، شبی به یاد ماندنی را تداعی نمود



بعد از موسیقی، با دعوت از رفیق مان گلنار خواجه گیری فعال سیاسی سوسیالیست و یکی از خانواده های خاوران، جایی که اجساد فعالین سیاسی دهه ۶۰ را در آنجا دفن کرده اند، دعوت به صحبت شد. گلنار بحث خود را پیرامون جنبش دادخواهی متمرکز نمود - امید آنکه در فرصتی عین گفتار او را انتشار

دهیم - رفیق مان تعریف دادخواهی مورد اشاره خود را در سه مشخصه برشمرد. او دادخواهی را در زمره جنبش مطالبه‌گری طبقاتی ارزیابی نمود. دیگر اینکه، بر آن بود که عرصه این جنبش را باید از کاسب‌کاران و سوداگران قدرت که دادخواهی را بر فراز بهره‌گیری از "حقوق بشر" در سطح ابر رسانه‌های رسمی مطرح می‌کنند، می‌بایستی جدا نمود و آن را از جنبش از پائین دید. رفیق گلناز ضمن اشاره به بحران استراتژی در سطح جنبش جهانی چپ و اشاره به بازگشت به آرمان‌رهای بخش و مقاومت، یاد آور گردید؛ می‌باید پیوند انترناسیونالیستی حول جنبش دادخواهی در فراه‌های بهره‌گیری از تجربیات موجود جهانی را باید در این جنبش لحاظ نمود. در پایان، وی اشاره کرد که مبارزه و پیکار مبارزات طبقاتی رادیکال، و پیوند جنبش‌ها اجتماعی و تقاطع‌فروستی‌های موجود تنها راه نیل به دادخواهی‌رهای بخش است.

به پیشنهاد خود رفیق گلناز و پذیرش جمع حاضر، بخش پرسش پاسخ از رفیق به بخش دیگر برنامه یعنی در اینهمانی با دیگر سخنرانان یادمان واگذار گردید
پس آنگاه استراحت و پذیرایی از مهمانان صورت گرفت. سپس مجری برنامه همه دوستان را به صندلی‌هایشان دعوت کرد تا امکان تماس با سخنرانان دیگر ماکه آنلایین با جلسه صحبت داشتند بر قرار گردد.



با امکان ارتباط آنلایین با دوسختران دیگر برنامه یادمان یاران، رفیق مان مهرزاد دشتبانی از جانب کانون همبستگی گوتنبرگ از رفقا **مهرنوش اشترانی** فعال سیاسی و از خانواده‌های دادخواه و رفیق **فریبا امیرخیزی** فعال جنبش کمونیستی و فعال زنان، تشکر کردند و به رفقا خوش آمد گفتند و دعوت به گفتگو نمودند. دوسختران ضمن سلام به جمع حاضر و ابراز خوشنودی از حضور **رفیق گلناز** در سالن، **فریبا امیرخیزی**، پیشنهاد نمود از آنجایی که بحث **مهرنوش اشترانی** به بحث **گلناز** در حوزه دادخواهی نزدیک تر است، ایشان شروع نمایند.

مهرنوش با جمع وارد بحث شد... نکته‌ی مهم بحث ایشان در ارائه امر مقاومت و مبارزه متمرکز بود. او با بیانی قدرتمند از شعار و خواست: نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم جنبش دادخواهان به دفاع برخواست و یاد آور شد: مبارزه علیه فراموشی و اینکه نگذاریم بر جنایات سرپوش گذاشته شود، انکار نکردن و مخدوش نشدن حافظه جمعی بود. او تاکید داشت همانگونه که نباید جنایات صورت گرفته را فراموش کنیم، به همان نسبت بر ضرورت نبخشیدن تاکید داشت. **مهرنوش** یاد آور گردید: دعوت به بخشیدن آن هم در دوره که هنوز طرف مقابل، جنایتکار اصل جنایت را نپذیرفته و انکار می‌کند که همان همدستی برای پنهان کردن فاجعه است. حاصل کلام اینکه تا هنگامی که فاجعه و حقیقت کشف نشده و امکان متحقق شدن عدالت وجود نداشته باشد، من بر انم: نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم. با امید به اینکه بعد تر بحث کامل رفیق **مهرنوش اشترانی** را به چاپ برسانیم.

پس آنگاه فریبا امیرخیزی با تمرکز به فرازه های جنبش انقلابی "ژینایی" زن، زندگی، آزادی، و با برشماری دستاوردهای این جنبش، آنرا دنباله انقلاب ناکام ۵۷ و عدم دستیابی مردمان جامعه ما به مطالبات خویش ارزیابی نمود. سخنران تاکید داشت: زنان جامعه پاشنه آشیل حاکمیت دین سالار، پدرسالار کشورند که هیچگاه از طرح مطالبات خود عقب ننشستند و همواره برای دست یابی با آن به مبارزه بلند شدند. فریبا تاکید داشت: فروکاست جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، هر چند با حدت یابی فشار حاکمیت فراهم آمد، ولی زنان و مردان و جوانان دختر و پسر ایران بر آنند که جامعه ما هیچگاه بازگشت به شرایط ماقبل قتل عمد "ژینا" را با خود نخواهد داشت، پاسخ به عدم بازگشت به شرایط قبل از شهریور، از ما مطالبه سازمانی و قدرتمندی جنبش مطالباتی و همسویی آنان با هم و همصدایی ما در این سوی جهان در دفاع از مبارزات متشکل درون جامعه تعریف می گردد.

با امید به اینکه بعد تر بحث کامل رفیق فریبا امیرخیزی را به چاپ برسانیم.

بعد از گفتگوی دو رفیق باجمع، نوبت پرسش و پاسخ از سه سخنران به مدت بیش از یک ساعت جلسه را به خود اختصاص داد که فضایی بغایت دلپذیر از دریافت نظرات رفقای حاضر در سالن و طرح مسائل فی مابین جنبش و وظایف امروزی ما در میان حاضرین با سخنرانان رد و بدل شد.

پایان بخش برنامه با عنوان سخن آخر از جانب رفیق نیکی میرزایی، مجری برنامه با خواندن سروده ای از خویش:

رهروان سپیده‌دمان
و بامدادانیم
رهروان خورشیدها
و سحرگاهان
نه از شب مان پرواییست
نه از روزگاران غمزده
و نه از ظلمات
ما را که رهروان
خورشیدها و سحرگاهانیم...
یقین است که:
حتی تاریک‌ترین
شب نیز پایان خواهد یافت
و خورشید خواهد درخشید
روزهای خوب خواهند آمد
به امید فردایی روشن که
به آرزوهای امروزمان برسیم.

سرنگون باد حکومت جهل و جنایت اسلامی ایران

برقرار باد آزادی برابری سوسیالیسم

سپاس از همه شما عزیزان که تا این لحظه همراه ما بودید. با پخش سرود انترناسیونال و همراهی جمع سالن با سرود، نشست یادمان یاد یاران - گوتنبرگ پایان رسید